

بازار مالی ایران*

از دیدگاه مسافر کانادا

مجید میراسکندری

مقدمه

دیدن اقوام و دوستان به ایران بروند یا اقوام خود را به کانادا دعوت کنند. در این حالت به وجوهی نیاز دارند (به ریال) که می خواهند حتی الامکان از "اصل سرمایه" شان نباشد.

۳- خیلی از ایرانیان دارای اقوام و دوستانی در ایران هستند که مایلند به طور مرتب یا گهگاه با ارسال پول به آنها کمک کنند یا به آنها وام بدهند و ترجیح می دهند این وجوه نیز از "اصل سرمایه" خرج نشود.

۴- گاه اتفاق می افتد وجوه اضافی فقط برای مدت نسبتاً کوتاهی در اختیار مردم است و چون قصد دارند پس از مدت نسبتاً کمی، آن را مصرف کنند، در این فاصله زمانی هیچ استفاده‌ای از آن نمی کنند ولی تمایل دارند چنانچه سرمایه گذاری مطمئنی با قدرت نقدشوندگی بالا، وجود داشته باشد، از آن فرصت استفاده کنند.

۵- ایرانیان عموماً دارای طبعی بلند و احساس بسیار قوی نسبت به نیازمندان هم وطن خود هستند و به روش های مختلف وجوه متفرقه‌ای را برای این امور خیریه به هر حال اختصاص می دهند که در تبدیل و ارسال و مصرف آن مشکلاتی دارند. در صورت وجود نوعی سرمایه گذاری مالی در ایران، می توانند قسمتی از سودهای حاصله را در صورت تمایل به این کار اختصاص دهند.

واقعیت های سرمایه گذاری مالی در ایران

در مدت نسبتاً کوتاهی که در کانادا به سر برده‌ام، به کرات شاهد قضاوت‌ها و اظهارنظرهایی بوده‌ام که حداقل از لحاظ اقتصادی با واقعیات امروز تطابق چندانی ندارند. ذیلاً واقعیت امر را - البته از دید خود - فهرست وار عرضه می دارم:

۱) سال های بسیاری است که نرخ سود بانکی و اوراق قرضه (مشارکت) در ایران بسیار بالاتر از متوسط های جهانی است. برای مقایسه خوب است بدانیم هم اکنون سود اوراق قرضه کوتاه مدت و سود سپرده های بلندمدت (۵ ساله) بانکی، در ایران ۱۷٪ تا ۲۰/۵٪ در سال است و سود اوراق قرضه ایالتی انتاریو که

سرمایه گذاری، فرایندی است که طی آن، اشخاص و موسسات از وجوه مازاد بر مصرف فوری خود به منظور کسب درآمد استفاده می کنند. سرمایه گذاری به منظور کسب درآمد راه های مختلفی دارد مثل سپرده گذاری در بانک ها، اعطای وام های گوناگون، یا خرید املاک و مستغلات و بسیاری موارد دیگر از جمله سرمایه گذاری در سهام شرکت ها و خرید اوراق قرضه که از انواع بسیار رایج سرمایه گذاری (یا سرمایه گذاری مالی) است.

خطر (ریسک) و بازده از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر سرمایه گذاری اند. این دو عامل هماهنگی نسبتاً کاملی با هم دارند که معمولاً بازده بیش تر با ریسک بالاتر و همین طور ریسک کم تر با بازده پایین تر همراه است.

ریسک، انواع مختلفی دارد، مثل ریسک ذاتی (مربوط به رشته فعالیت)، ریسک اقتصادی، ریسک سیاسی و بسیاری انواع دیگر که در مقالات آینده جزییات بیشتری از آن را مطرح خواهیم کرد. خلاصه این که هنر سرمایه گذاری در این است که با "ریسک کم تر" بتوانیم "بازده بالاتری" به دست آوریم. در این مقاله ضمن تشریح نیازهای سرمایه گذاران ایرانی در کانادا، وضعیت کلی سرمایه گذاری مالی در ایران و ریسک های موجود در آن را تا حد امکان به صورت خلاصه توضیح می دهیم.

نیازهای سرمایه گذاران ایرانی در کانادا

۱- به دلیل ریسک های بزرگ سرمایه گذاری در اقتصاد کانادا و رکودهای مقطعی در آن و هم چنین به دلیل وجود مالیات های سنگین (تا ۵۰ درصد) و در عین حال به دلیل نرخ پایین سود و بهره در این کشور، بعضی علاقه مند می شوند که وجوه خود را برای سرمایه گذاری به محلهایی که این اشکالات را ندارد یا کم تر دارند، منتقل کنند و سودهای حاصله را برای مصرف نهایی برگردانند.

۲- گروهی همواره در این فکراند که زمانی برای اقامت موقت یا دائمی به ایران برگردند یا حداقل هر چند سال یک بار برای

۹) اقتصاد از حالت "بسته" زمان انقلاب و جنگ، به حالت "باز" تغییر جهت داده و احتمال برگشت شرایط اقتصادی قبلی تقریباً منتفی است. بانک‌های خصوصی در ایران که حداقل سه مورد از آن‌ها در سال ۱۳۸۰ عملاً ایجاد شده‌اند (بانک اقتصاد نوین، بانک پارسیان و بانک کارآفرین) بر این ادعا صحه می‌گذارند.

ریسک‌های سرمایه‌گذاری مالی در ایران

۱) با توجه به مطالبی که قبلاً گفته شد، به نظر می‌رسد ریسک‌هایی از جمله "ملی شدن دو مرتبه صنایع و بانک‌ها"، "بسته شدن مجدد اقتصاد و قطع مراودات با خارج"، "احتمال افزایش نرخ ارزهای خارجی" و امثالهم، در آینده قابل پیش‌بینی وجود نخواهد داشت.

۲) از لحاظ ریسک سیاسی، با توجه به تجربه یکی دو سال گذشته که شدیدترین تهدیدات و شایعات نیز وجود داشت و مسایل افغانستان در مرز پانصد کیلومتری ایران اتفاق افتاد، در مجموع به نظر نمی‌رسد ریسک سیاسی در ایران خیلی بیش‌تر از کشورهای دیگر (حتی آمریکا) باشد.

دیدیم که سرمایه‌گذاری سهام در آمریکا و کانادا بسیار تحت تاثیر وقایع سیاسی بوده است به طوری که قیمت بسیاری از سهام به صفر نزدیک شد. خلاصه آن که برخلاف تصور عامه، ریسک سیاسی در ایران، تعیین‌کننده نیست.

۳) جلوگیری از خروج ارز، مهم‌ترین ریسک در سرمایه‌گذاری (خصوصاً سرمایه‌گذاری مالی) در ایران است، گو این که اولاً اکنون دو سال است که این مشکل حل شده و ثانیاً چنانچه بنا به دلایل سیاسی این اتفاق بیفتد، به دلایل اقتصادی، بسیار کوتاه‌مدت خواهد بود. سیر اقتصاد جهانی و لزوم حاکمیت شرایط اقتصاد باز، امکان اتخاذ سیاست‌های قدیمی را منتفی کرده است.

خلاصه

به نظر می‌رسد با توجه به نرخ‌های سود بالا، مالیات پایین، ثبات نرخ ارز خارجی، احتمال کاهش نرخ ارز و امکان تبادل رسمی آن، سرمایه‌گذاری مالی در ایران بسیار مقرون به صرفه باشد.

از طرفی، سرمایه‌گذاری در ایران حتی در شرایط مساوی با دیگر کشورها، برای ایرانیان جذاب‌تر به نظر می‌رسد، چون هم ارتباط آنها را با سرزمین مادری‌شان حفظ می‌کند و هم نیازهای پیشگفته‌شان را مرتفع می‌سازد.

تا آخر ژوئن ۲۰۰۲ هم عرضه می‌شد، برای اوراق ۵ ساله فقط ۵/۵ درصد در سال بود.

۲) این در حالی است که مالیات سود اوراق قرضه در ایران صفر درصد و مالیات نقل و انتقال سهام در بورس تهران فقط ۵/۵ درصد قیمت معامله است.

۳) افزایش قیمت سهام (Capital Gain) در بورس تهران در چند سال گذشته، این بورس را در ردیف پر بازده‌ترین بورس‌ها قرار داده است. متوسط رشد شاخص مداوماً سالی ۲۵ تا ۳۵ درصد است که با انتخاب سهام برتر، این سود به مراتب بیشتر هم خواهد شد.

۴) قیمت ارزهای خارجی حداقل در دو سه سال گذشته تقریباً ثابت مانده است. طبعاً سودهای فوق‌العاده‌ی پیش‌گفته در کنار ثبات نرخ‌های ارز خارجی و پایین (یا صفر) بودن نرخ‌های مالیات، باعث اقبال سرمایه‌گذاران داخلی، ایرانیان مقیم خارج و حتی خارجی‌ان شده است حتی اگر مجبور باشند مالیات آن را در کشور مبدأ سرمایه بپردازند.

۵) برای حفظ صادرات غیرنفتی و جلوگیری از واردات غیرضروری، دولت قیمت ارزهای خارجی را مصنوعاً بالا نگه داشته است که با تغییر سیاست‌ها، انتظار می‌رود که این نرخ‌ها کاهش یابند. طبیعی است در این صورت جایزه بزرگی به سرمایه‌گذارانی تعلق خواهد گرفت که قبلاً ارز خود را با نرخ‌های بالا وارد مملکت کرده‌اند (به نظر سرمایه‌گذاران بازار نرخ‌های ارز خارجی باید شدیداً کاهش یابد).

۶) خروج ارز از ایران حداقل در دو سال گذشته، بدون محدودیت و از طریق بانک‌ها مرتباً امکان‌پذیر بوده است، علی‌الخصوص در مورد اروپا و آسیا هیچ مشکلی نبوده است، در مورد آمریکا و به تبع آن کانادا، مشکلات ایجاد شده توسط آمریکا در خصوص احتمال بازداشت ارزهای ترانزیت در نقل و انتقال موثر بوده است ولی از لحاظ بانک‌های ایرانی، در این خصوص مشکلی وجود ندارد.

۷) دولت ارز نسبتاً زیادی ذخیره کرده است و مبالغ بزرگی از آن را برای فروش اختصاص می‌دهد و این اواخر به دلیل نبود مشتری برای ارز به اصطلاح گران دولتی، بازاریابی وسیعی صورت گرفته و افزایش ارز برای واردکنندگان و کارخانه‌ها (به هر مقدار) و برای مسافرت و انواع حواله‌های بانکی، نمونه‌های آن است. در حقیقت دولت ارز زیاد و ریال کم دارد و به دلیل کنترل تورم، سعی می‌کند ریال زیادی چاپ نکند. بنابراین احتمال افزایش نرخ ارزهای خارجی در شرایط غیربحرانی، تقریباً منتفی است.

۸) هیچ‌گاه در تاریخ اخیر ایران، سرمایه‌های کوچک و متوسط (چه در سهام و غیره) با تهدید جدی روبرو نشده‌اند، تنها در مواقع بسیار معدود، با اشکالات موقتی، کوچک و زودگذر روبرو گشته‌اند.

* این مقاله را نگارنده، در فرصت مطالعاتی خود در کانادا نوشته و روزنامه فارسی زبان و پرتیراژ "شهروند" تورنتو در تابستان سال جاری آن را به چاپ رسانده است.